



بررسی ویژگی‌های شخصیت فرعون در قرآن

^۱ سلمان عبدی، حسن فرجی بهتاش ^۲

۱- کارشناسی ارشد روانشناسی دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران Email: abdi.salman@gmail.com

۲- کارشناسی ارشد روانشناسی دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران hfarajib57@gmail.com

چکیده

مقدمه: بررسی ویژگی‌های شخصیتی انسان‌های شقی در قرآن کریم می‌تواند به درک درست از شقاوت و گمراهی انسان منجر شود. پژوهش حاضر با هدف بررسی اختلالات شخصیت فرعون در قرآن صورت گرفت. مطالعه حاضر به صورت بررسی اسنادی و جستجو در آیات قرآن صورت گرفت. از کلیدواژه فرعون برای جستجو استفاده گردید. ۷۴ بار کلمه فرعون در آیات مختلف تکرار شده است. در ادامه آیاتی که در راستای توصیف شخصیتی فرعون بود انتخاب گردید. سپس آیاتی که ویژگی‌های شخصیتی فرعون را توصیف می‌کرد انتخاب گردید و آیاتی که مفاهیمی مشابه داشتند حذف شد. آیات انتخاب شده از نظر محتوای جمع بندی گردید.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که ویژگی‌های توصیفی فرعون در قرآن را در هشت بعد (استکبار و خودبزرگ‌بینی؛ تکذیب آگاهانه حقیقت؛ فریب و گمراه کردن مردم؛ خونریزی دیکتاتورمآبانه با هدف ارباب مردم؛ فقدان خودکنترلی؛ تهمت زنی به پیامبر؛ عدم متذکر شدن در برابر ابتلاعات الهی؛ نگرانی از افول قدرت) می‌توان خلاصه کرد. بر اساس این ویژگی‌ها و تطبیق آنها با روانپزشکی نوین حاکی از آن است که فرعون از اختلال شخصیت شدید رنج می‌برد. نتیجه‌گیری: از شواهد تطبیقی آیات با علایم اختلالات شخصیت راهنمای آماری و تشخیصی انجمن روانپزشکی آمریکا چنین بنظر می‌رسد که فرعون از علایم شدید اختلال شخصیت خودشیفته رنج می‌برد.

کلیدواژه‌ها: آیات قرآن، فرعون، اختلالات شخصیت خودشیفته

**مقدمه**

قرآن با هدف هدایت بشر به پیامبر اسلام نازل گردیده است. در این راستا سرگذشت پیشینیان را ذکر کرده و با به کارگیری عناصر روایی همچون شخصیت پردازی شیوه‌های خاص برای هدایتگری اتخاذ کرده است. هدف از ذکر داستانها ارائه الگوهای سعید و شقی در زندگی انسانها است. در این کتاب آسمانی، پیامبران به عنوان کاملترین و بارزترین الگوها و اسوه‌های بشریت و مخالفان آنها نیز به عنوان بهترین ترسیم کنندگان انسان‌های تیره بخت و بدفرجام معرفی می‌شوند. ضرورت فهم عمیق این الگوهای زندگی همواره مطالعاتی را می‌طلبد که از منظری متفاوت به آنها نگریسته باشند (اشرفی و تاکی، ۱۳۹۷). یکی از روش‌هایی که می‌توان به درک بهتر داستان‌های قرآنی کمک کند تحلیل روانشناختی از شخصیت‌های قرآنی است.

فرعون عصر حضرت موسی (ع) یکی از مهمترین شخصیت‌های داستانی قرآن محسوب می‌شود که نکات اخلاقی و شخصیتی پیچیده و در عین حال عبرت‌آموزی دارد. مورخان هویت فرعون زمان موسی (ع)، را "توتانخامون" از پادشاهان خانواده هیجدهم گزارش کرده است که مربوط به سه هزار و سیصد سال پیش می‌باشد. برخی نام فرعون را منفطای (منفتاح) اول از خانواده نوزدهم (۱۲۱۱-۱۲۲۳ ق م) بوده است و بنا به قول دیگر: نامش سیتی دوم فرزند منفتاح (۱۲۰۲-۱۲۰۷ ق م) است. برخی دیگر از اندیشمندان او را رامسس دوم معرفی کرده‌اند که سومین پادشاه از خانواده نوزدهم مصر است (خیرالاهی و همکاران، ۱۳۹۳). حضرت موسی (ع) به مدد الهی و با توجه به متصل بودن به سرچشمه وحی، دعوت الهی فرعون را سنجیده، دقیق و با برنامه ریزی انجام داد. این مبارزات که ابتدا با دعوت فرعون به یکتا پرستی شروع شد. لذا حضرت موسی ابتدا با اعلام صریح رسالت و اظهار عقاید، قول نرم و سپس بیان شجاعانه در برابر تهدیدهای فرعون، بشارت و انذار، امید دادن، استفاده از دلائل روشن، گفتار عاطفی، روش نقل قصص، مقابله به مثل در گفتار و توجه و دعا استفاده کرد (عباسی مقدم، ۱۳۹۶).

واکنش‌های فرعون در برابر دعوت الهی حضرت موسی (ع) و پاسخ‌های فکری و عملی که در برابر وی از خود نشان می‌داد الگوی شخصیت خود را نشان داده است که مبنای اصلی تحلیل این مطالعه می‌باشد. بر این اساس پژوهش حاضر با هدف بررسی ویژگی شخصیت فرعون در قرآن با رویکرد اختلالات شخصیت صورت گرفته است. فرعون نامی است که فرمانروایان مصر باستان اطلاق می‌شد. در این مطالعه منظور از فرعون پادشاه هم عصر حضرت موسی (ع) می‌باشد.

داستان فرعون در قرآن

داستان سرگذشت فرعون به صورت پیوسته در قرآن ذکر نشده اما در سوره‌های مختلف و آیات متعدد به آن اشاره کرده است که جمع بندی آنها بدین ترتیب می‌باشد. فرعون پادشاهی ستمگر و نژاد پرستی بود بر بنی اسرائیل حکومت می‌کرد. یک شب فرعون در عالم خواب دید آتشی از سوی شام شعله‌ور شده زبانه‌کشان به طرف مصر آمد و به خانه‌های اشراف افتاد و بعد کاخ‌ها و باغ‌ها و تالارها را فرا گرفت و همه را به خاکستر و دود تبدیل کرد (بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۵۱).

فرعون بواسطه وحشت از خواب خود معبرین خواب را فراخواند. یکی از معبران گفت: به زودی پسری به دنیا می‌آید که حکومت تو را نابود خواهد کرد. فرعون با پذیرش این تعبیر و به منظور حفظ حکومت خود دستور داد تا هر پسر نوزادی را که به دنیا می‌آید را بکشند (ترقی، ۱۳۹۸). مادر حضرت موسی بواسطه نگرانی از کشتن فرزندش مانند سایر نوزادان، از طرف خداوند به او الهام شد که به فرزندش شیر دهد و هنگامی که بر او ترسیدی وی را به نیل بیفکن و نترس و غمگین مباش که ما او را به تو باز می‌گردانیم و او را از رسولان قرار می‌دهیم مادر موسی طبق الهام الهی نوزاد را در صندوق قرار داد و در رود نیل انداخت. خدمت کاران فرعون



صندوقچه را از آب گرفت و نزد فرعون بردند. فرعون با دیدن نوزاد دستور داد تا او را بکشند اما آسیه همسر فرعون مانع شد و نگذاشت. خداوند علاقه کودک را در دل آسیه قرار داد تا جایی که به فرعون پیشنهاد داد تا او را به فرزندی بپذیرد فرعون نیز موافقت کرد (عماد زاده، ۱۳۸۰).

حضرت موسی (ع) تا سن جوانی در کاخ فرعون زندگی کرد. در دوران جوانی موسی یک مصری که مشغول آزار یک عبرانی بود را کشت و به همین جهت به مدین گریخت. در آنجا بواسطه آشنایی با دختر شعیب پیامبر با وی ازدواج کرد و نزد شعیب ماند. حضرت موسی بعد از مدتی سکونت به شعیب گفت من باید برای دیدار با مادر و خویشانم به سرزمینم برگردم. حضرت موسی اساسیه زندگی، گوسفندان و عصایی هم که حضرت شعیب به وی اهدا کرده بود برداشت و به همراه خانواده اش مدین را به مصر ترک کرد. خداوند حضرت موسی (ع) را در راه بازگشت به مصر به پیامبری برگزید او مامور شد بنی اسرائیل را از ظلم فرعون نجات دهد. (صفوی، ۱۳۹۹).

حضرت موسی به مصر نزدیک شد و خداوند با الهام به هارون به استقبال برادرش رفت و نزدیکی دروازه مصر با او ملاقات کرد و به دیدن مادرشان رفتند. حضرت موسی برادرش هارون را از نبوت خود آگاه ساخت. حضرت موسی با قوم بنی اسرائیل دیدار کرد و به آن‌ها فرمود من از طرف خدا به سوی شما آمده‌ام تا شما را به پرستش خداوند یکتا دعوت کنم آن‌ها هم دعوت موسی را پذیرفتند. چندی بعد موسی و برادرش هارون به پیش فرعون رفت و او را به سوی خدا دعوت کرد اما فرعون نپذیرفت. حضرت موسی فرمود اگر من معجزه آشکاری بیاورم قبول می‌کنی؛ فرعون گفت اگر راست می‌گویی بیاور. فرعون جادوگران را خواست تا موسی را بترسانند آن‌ها که تعدادشان هم زیاد بود و در شعبه بازی نیز بسیار ماهر بودند چیزهایی را به صورت مار و اژدها در آوردند و تمام تماشاچیان را مات و مبهوت کردند در این هنگام موسی عصای خود را به زمین انداخت به قدرت خداوند چوب دستی خداوند به صورت اژدهایی بزرگ در آمد و همه اژدها و مارهای ساحران را بلعید. جادوگران با دیدن قدرت خداوند همگی به سجده افتادند و گفتند ما به خدای موسی و هارون ایمان آوردیم. بعد از پیروزی موسی ظلم فرعون بیشتر شد سرانجام موسی تصمیم گرفت که با پیروانش از مصر به فلسطین هجرت کنند موسی و پیروانش شبانه از مصر خارج شدند فرعون نیز با سپاه خود به تعقیب آن‌ها پرداخت تا به دریا رسیدند بنی اسرائیل نمی‌دانستند چه کنند خدای مهربان به موسی وحی کرد که با عصایت به دریا بزن و برای بنی اسرائیل راهی خشک بگشا. حضرت موسی با عصا به دریا زد ناگهان دریا شکافت آب دریا به روی هم قرار گرفت و راه خشکی برای عبور بنی اسرائیل درست شد موسی و پیروانش به سلامت از دریا گذشتند پس از عبور آن‌ها خداوند فرعون و سپاهش را در دریا غرق کرد (با تلخیص عمادزاده، ۱۳۸۰).

روش

مطالعه حاضر به صورت بررسی اسنادی و جستجو در آیات قرآن صورت گرفت. از دو کیدواژه فرعون، فرعون برای جستجو استفاده گردید. بر اساس یافته‌ها تعداد ۷۴ بار کلمه فرعون در آیات مختلف تکرار شده است. با بررسی تک تک آیه‌ها ابتدا آیاتی که در راستای توصیف شخصیتی فرعون بود انتخاب گردید. آیاتی که ارتباطی با موضوع نداشتند حذف گردید. آیاتی که ویژگی‌های شخصیتی فرعون را توصیف می‌کرد انتخاب و وارد تحلیل گردید آیات انتخاب شده از نظر محتوای جمع بندی گردید.

یافته‌ها

در جستجوی اولیه مشخص شد که کلمه فرعون ۷۴ بار در قرآن کریم تکرار شده است. این موارد هر کدام در توصیف فرعون، ویژگی‌هایی را بیان کرده است که آن ویژگی‌ها با علایم و نشانه‌هایی که در راهنمای آماری و تشخیصی اختلالات روانپزشکی (DSM-5)^۱ گزارش شده است تطبیق و احتمال تشخیصی اختلال شخصیت استخراج گردید. بدین ترتیب نگاه جامعی از شخصیت فرعون متناسب با مفاهیم روانپزشکی روز بدست آمد. همانطوری که در جدول ۱ به صورت خلاصه برخی آیات ارائه شده است. یافته‌ها نشان داد که کلی آیات قرآن بصورت در هشت بعد برای توصیف فرعون قابل تفکیک و طبقه‌بندی است.

جدول ۱: ویژگی‌های روانی فرعون در آیات قرآن

ویژگی روانی	ترجمه	آیات قرآنی
استکبار، خودبزرگبینی، تکبر و خود را پروردگار اعلی معرفی می‌کرد.	و گفت منم پروردگار بلندمرتبه شما به سوی فرعون و اشراف قومش، آنها هم تکبر و نخوت کردند، زیرا آنان مردمی متکبر و سرکش بودند. فرعون گفت: ای مهتران، من برای شما خدایی جز خود نمی‌شناسم. ای هامان، برای من اجر بیز و طارمی بلند بساز، مگر خدای موسی را ببینم، که دروغگویش پندارم.	أنا ربکم الأعلى (نارعات، ۲۴) إلی فرعون وَمَلِئْهُ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا عَالِينَ (المؤمنون ۴۶) وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُم مِّنْ إِلَهِ غَيْرِي فَأَوْقَدَ لِي يَا هَامَانُ عَلَى الطِّينِ فَاجْعَلْ لِي صَرْحًا لَّعَلِّي أُطْعَمُ إِلَى إِلَهِ مُوسَى وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ مِنَ الْكَاذِبِينَ (قصص ۳۸)
تکذیب آگاهانه حقیقت و ابراز تکبر در برابر منطق و دلیل روشن	و با آنکه دل‌هایشان بدان یقین داشت از روی ظلم و تکبر آن را انکار کردند آیات ما را تکذیب کردند. موسی، چون او را با دلیلی روشن به سوی فرعون فرستادیم و قارون و فرعون و هامان را آنیز نابود کردیم. و هامان موسی برای آنان دلایل روشن آورد، پس آنان در زمین تکبر و سرکشی کردند، ولی پیشی گیرنده ابر اراده و قضا و قدر ما نبودند	وَجحدوا بها واستيقنتها أنفسهم (نمل، ۱۴) كَذَابَ آلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا (آل عمران ۱۱) كَذَابَ آلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ (الأنفال ۵۴) وَفِي مُوسَى إِذْ أَرْسَلْنَاهُ إِلَى فِرْعَوْنَ بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ (الذاریات ۳۸) وَقَارُونُ وَفِرْعَوْنُ وَهَامَانُ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مُوسَى بِالْبَيِّنَاتِ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانُوا سَابِقِينَ (عنکبوت ۳۹)
فریب و همراه کردن مردم با هدف تابع کردن آنها به خود	قومش را فریب داد و آنان از او پیروی کردند. فرمان فرعون راهنمای به سوی سعادت و خوشبختی نبود. و فرعون، قومش را همراه کرد و راهنمایی ننمود. و فرعون در قوم خود ندا کرد، و گفت: ای مردم آیا ملک مصر از من نیست و این نهرها از دامنه قصرم نمی‌گذرد؟ چرا پس نمی‌بینید؟	فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاطَاعُوهُ (زخرف، ۵۴) إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلِئْهُ فَاتَّبَعُوا أَمْرَ فِرْعَوْنَ وَمَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ (هود ۹۷) وَأَصْلَ فِرْعَوْنَ قَوْمَهُ وَمَا هَدَى (طه ۷۹) وَنَادَى فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِنْ تَحْتِي أَفَلَا تُبْصِرُونَ (الزخرف ۵۱)
دیکتاتوری (روحیه قتل و خون ریزی و بی رحمی حتی به نوزادان و زنان) با هدف ارباب مردم	بدترین شکنجه‌ها را بشما میدادند و آن این بود که پسران را سر می‌بریدند و زنان را زنده نگه میداشتند همانا فرعون برتری جویی و سرکشی کرد و مردمش را گروه گروه ساخت، در حالی که گروهی از آنان را ناتوان و زبون گرفت، پسرانشان را سر می‌برد، و زنان را زنده می‌گذاشت؛ بی تردید او از مفسدان بود. مردم را چار میخ می‌کرد	وَإِذْ نَجَّيْنَاكَ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكَ سُوءَ الْعَذَابِ يَذْبَحُونَ أَبْنَاءَكَ وَمِيسَتَحِينَ نِسَاءَكَ وَفِي ذَلِكَ بَلَاءٌ مِّنْ رَبِّكَ عَظِيمٌ (بقره ۴۹) مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكَ سُوءَ الْعَذَابِ وَيَذْبَحُونَ أَبْنَاءَكَ وَيَسْتَحِينَ نِسَاءَكَ (ابراهیم ۶) إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيْعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يَذِخُّ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ (قصص ۴) وَفِرْعَوْنُ ذِي الْأَوْتَادِ (الفجر ۱۰)
فقدان خودکنترلی طغیان گر بودن فرعون	پس او قومش را سبک مغز شمرد در نتیجه از او اطاعت کردند؛ زیرا آنان مردمی فاسق و نافرمان بودند. به سوی فرعون برو؛ زیرا که طغیان کرده است. از فرعون که متکبری سرکش از زمره اسراف کاران بود،	فِرْعَوْنَ وَقَوْمِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ قَوْمٌ فِرْعَوْنُ أَلَا يَتَّقُونَ (زخرف، ۵۴) أَذْهَبَ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى (طه ۲۴) مِنْ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ كَانَ عَلِيًّا مِنَ الْمُسْرِفِينَ (الدخان ۳۱)



تهمت زنی به پیامبر	به سوی فرعون و هامان و قارون پس گفتند: وی ساحری است دروغپرداز	إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَقَارُونَ فَقَالُوا سَاحِرٌ كَذَّابٌ (غافر، ۲۴)
عدم متذکر شدن در برابر ابتلاعات الهی و نصایح پیامبر	فرعونیان را به خشکسالی و کمبود حاصل دچار کردیم شاید متذکر شوند	وَلَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ وَنَقَصْنَا مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَذْكُرُونَ (اعراف ۱۳۰)
اضطراب و نگرانی درباره افول قدرت	من می‌ترسم دین شما را تغییر دهد، یا در این سرزمین فساد و تباهی به بار آورد!	إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفَسَادَ (غافر، ۲۶)

استکبار و خودبزرگ‌بینی

فرعون در قرآن، نماد تکبر، استبداد، و طغیان در برابر خدا است. او خود را مرکز هستی می‌دید و به هیچ قدرتی جز خود باور نداشت. «مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِي» (قصص، ۳۸). فرعون به تدریج در اثر سلطه مطلق و بی‌رقیب، به مرحله‌ای از خودپرستی رسید که وجود خود را منشأ خیر و شر می‌پنداشت، نه خدا را. ویژگی بیمارگونه با «احساس خدای‌گونه» همراه است. لذا فرعون ادعا کرد خدای مردم مصر است و فرمانروایی او مطلق است و این نماد تکبر مطلق و خداانگاری انسان است که به سلطنت مطلق خود و ادعای ربوبیت رسیده است.

تکذیب آگاهانه حقیقت

در چند آیه آمده که فرعون و اطرافیان حق را می‌دانستند، اما انکار کردند. «وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا» (نمل، ۱۴). فرعون می‌دانست موسی راست می‌گوید، اما چون قبول حقیقت مقامش را تهدید می‌کرد، آن را انکار نمود. این نوع واکنش مکانیسم دفاعی انکار است انسان وقتی نمی‌تواند واقعیتی را بپذیرد که هویت و جایگاهش را فرو می‌ریزد، ناخودآگاه آن را انکار می‌کند. فرعون حتی در برابر دعوت منطقی و معجزات موسی (ع)، به جای ایمان، به دنبال تحقیر و تهدید موسی بود و گفت: اگر معبودی غیر از من برگزینی تو را از زندانیان قرار خواهیم داد. «لَئِنْ اتَّخَذْتَ إِلَهًا غَيْرِي لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ» (شعراء، ۲۹).

فریب و گمراه کردن مردم

فرعون با هدف تداوم حکومت خود مردم را گمراه می‌کرد در حالیکه منطق و استدلال‌های سخیف استفاده می‌کرد و مردم را نادان از درک حقایق می‌دانست. چنانچه در آیه فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ (زخرف، ۵۴) قومش را فریب داد و آنان از او پیروی کردند.

وَنَادَىٰ فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِنْ تَحْتِي أَفَلَا تُبْصِرُونَ (زخرف، ۵۱) و فرعون در قوم خود ندا کرد، و گفت: ای مردم آیا ملک مصر از من نیست و این نهرها از دامنه قصرم نمی‌گذرد؟ چرا پس نمی‌بینید؟ از طرفی فرعون قدرتش را با تأیید و تملق اطرافیان، مخصوصاً هامان، حفظ می‌کرد. «فَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا هَامَانَ ابْنِ لِي صَرْحًا» (غافر، ۳۶). برج نه برای دیدن خدا، بلکه برای جلب نظر مردم بود. او می‌خواست نمایش بسازد تا قدرتش غیرقابل‌چالش جلوه کند. لذا تداوم قدرت خود را نیازمند جلب تأیید بیرونی می‌داند.

دیکتاتوری (قتل و خون ریزی) با هدف ارعاب مردم

فرعون به‌شدت مردم، به‌ویژه بنی‌اسرائیل را آزار می‌داد و تصویری از دیکتاتوری و ترس‌سازی فرعون در قرآن به نمایش گذاشته شده است. إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيْعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يُدَّبُّ أبنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ (قصص ۴)؛ وَ فِرْعَوْنُ ذِي الْأَوْتَادِ (الفجر، ۱۰).

در روابط با دیگران استعمارگر، ارعاب و خشونت فراوان هستند. افراد دیکتاتور خود را افرادی “بسیار خاص” می‌بینند که مستحق تحسین هستند و در نتیجه در همدلی با احساسات و نیازهای دیگران مشکل دارند. فرعون نه تنها “الگوی فراگیر بزرگ‌منشی” را نشان می‌داد، بلکه تمایل به رفتار حسادت و کینه توزانه دارند یا معتقد هستند که دیگران به وی حسادت می‌کنند.

فقدان خودکنترلی و طغیان گر بودن

فرعون انسانی است که خود را نیازمند کنترل نمی‌بیند و مطابق آیه ۷۰ سوره علق کَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ ﴿۷۰﴾ ﴿۶﴾ أَنْ رَأَى اسْتَعْصَمَ ﴿۷﴾ ﴿۷﴾ حقا که انسان همین که خود را بی‌نیاز پندارد سرکشی می‌کند. اذْهَبْ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى (طه ۲۴) به سوی فرعون برو؛ زیرا که طغیان کرده است^[۲] در حقیقت این ویژگی بحق و کامل بودن افکار و رفتار شخصی انسان را طغیانگری می‌کشد.

تهمت زنی به پیامبر

فرعون در راستای جلوگیری از گرایش مردم به سوی حقیقت، حضرت موسی (ع) را ساحر کذاب معرفی می‌کند. إِلَى فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَقَارُونَ فَقَالُوا سَاحِرٌ كَذَّابٌ (غافر، ۲۴) به سوی فرعون و هامان و قارون پس گفتند: وی ساحری است دروغ‌پرداز. و در این راستا هم بود که ساحران را جمع کرد تا حضرت موسی (ع) را شکست دهد. اما تقدیر الهی بر ارائه معجزه به تصویر شکست خورده از فرعون انجامید.

عدم متذکر شدن در برابر ابتلاعات الهی و نصایح پیامبر

با اینکه حضرت موسی از قهر الهی فرعون را انداز داده بود و انواع بلاها بر سر آنها آمد ولی در هیچ‌کدام متذکر نشد. وَلَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ وَنَقَصْنَا مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَذْكُرُونَ (اعراف ۱۳۰) فرعونیان را به خشکسالی و کمبود حاصل دچار کردیم شاید متذکر شوند. بواسطه این ویژگی فرعون در آخرین قهر الهی، در دریا غرق شد.

اضطراب و نگرانی درباره افول قدرت

فرعون ظاهراً قوی بود، اما در آیات متعددی دیده می‌شود که از مردم می‌ترسید. «إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفُسَادَ» (غافر، ۲۶). من می‌ترسم دین شما را تغییر دهد، یا در این سرزمین فساد و تباهی به بار آورد. این جمله نشان می‌دهد که قدرت‌مندان ظالمان همواره گرفتار اضطراب از دست دادن سلطه‌اند. او از نفوذ کلمه حق در دل‌ها بیمناک بود، زیرا پایه قدرتش بر جهل مردم بنا شده بود. بعبارت دیگر فرعون را می‌توان نگران افول قدرت دانست؛ او باید دائماً با ترس از فروپاشی اقتدارش زندگی می‌کرد.

**نتیجه گیری**

یافته ها نشان داد که با بررسی آیات قرآن ویژگی های فرعون در هشت بعد قابل تفکیک و طبقه بندی است.

۱. استکبار و خودبزرگ بینی و معرفی خود بعنوان پروردگار اعلی
۲. تکذیب آگاهانه حقیقت و ابراز تکبر در برابر منطق و دلیل روشن
۳. فریب و گمراه کردن مردم با هدف تابع کردن آنها به خود
۴. دیکتاتوری (روحیه قتل و خون ریزی و بی رحمی حتی به نوزادان و زنان) با هدف ارعاب مردم
۵. فقدان خودکنترلی و طغیان گر بودن
۶. تهمت زنی به پیامبر
۷. عدم متذکر شدن در برابر ابتلاعات الهی و نصایح پیامبر
۸. اضطراب و نگرانی درباره افول قدرت

مرور اختلالات شخصیت در راهنمای آماری و تشخیصی اختلالات شخصیت نشان می دهد که ویژگی های روانی فرعون با اختلال شخصیت خودشیفته همخوانی دارد. در این راهنما اختلال شخصیت خودشیفته الگوی فراگیر احساس بزرگ منشی (در رفتار یا تخیلات فرد)، نیاز به تحسین، و عدم داشتن همدلی که در اوایل بزرگسالی شروع می شود و در زمینه های مختلف وجود دارد، به صورتی که با پنج (یا تعداد بیشتری) از این موارد نمایان می شود: دارای یک احساس خود بزرگ پنداری عالی از خود است. سرگرم خیال پردازی های نامحدود قدرت، موفقیت، زیبایی، عشق ایده آل یا ذکاوت است. معتقد است که فردی خاص و منحصر به فرد است. به تحسین بیش از اندازه نیاز دارد. دارای حس استحقاق است. از لحاظ برخورد بین فردی، آدمی بهره کش است. همدلی ندارد یعنی تمایلی برای درک و شناخت احساسات دیگران ندارد. غالباً به دیگران حسادت می ورزد یا معتقد است دیگران به او حسادت می کنند می کنند. رفتارها یا نگرش های متکبرانه و غرور آمیز نشان می دهد.

قرآن با معرفی فرعون، فقط داستانی گذشته را نقل نمی کند؛ بلکه می خواهد. تیپ روانی طاغوت را به انسان بشناساند فرعون نشانه انسانی است که از مسیر عقل به سعادت می تواند برسد، اما نفس فرمانروا عقل را اسیر کرده است. فرعون مصداق قلب مختوم است؛ کسی که در اثر تکرار گناه، دیگر توان درک حق را از دست می دهد. فرعون کسی که طغیان کرده و مرزهای درون و بیرون خودش را نمی شناسد. دیکتاتوری است که بین "من" و "ملت" فاصله ای نمی بیند.

منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- اشرفی، ب؛ تاکی، گ. (۱۳۹۷). "الگوی شخصیت پردازی داستان های پیامبران الهی در قرآن کریم، بر مبنای دیدگاه ریمون-کنان،" پژوهشهای ادبی قرآنی، شماره ۶، ص ۱-۲۸.
- ۳- خیراللهی، س؛ کریمی رکن آبادی، ا؛ میرجلیلی، ع. (۱۳۹۳). "بررسی تطبیقی سیمای فرعون در قرآن و عهد قدیم الهیات تطبیقی،" شماره ۵، ص ۲۱-۳۸.
- ۴- عباسی مقدم، م. (۱۳۹۶). "روش شناسی تبلیغ حضرت موسی (علیه السلام) بر پایه نگرش قرآن،" پژوهش نامه تربیت تبلیغی، ش ۱۵، ص ۵-۱۲.
- ۵- بحارالانوار، ج ۱۳
- ۶- عماد زاده، ح. (۱۳۸۰). "تاریخ انبیاء، از آدم تا خاتم و قصص قرآن،" انتشارات اسلام، تهران.
- ۷- صفوی، س. (۱۳۹۹). "موسی (کلیم الله) در قرآن کریم،" نشر سلمان آزاده، تهران.
- ۸- ترقی، س. (۱۳۹۸). موسی کلیم الله، "انتشارات رزا، تهران.